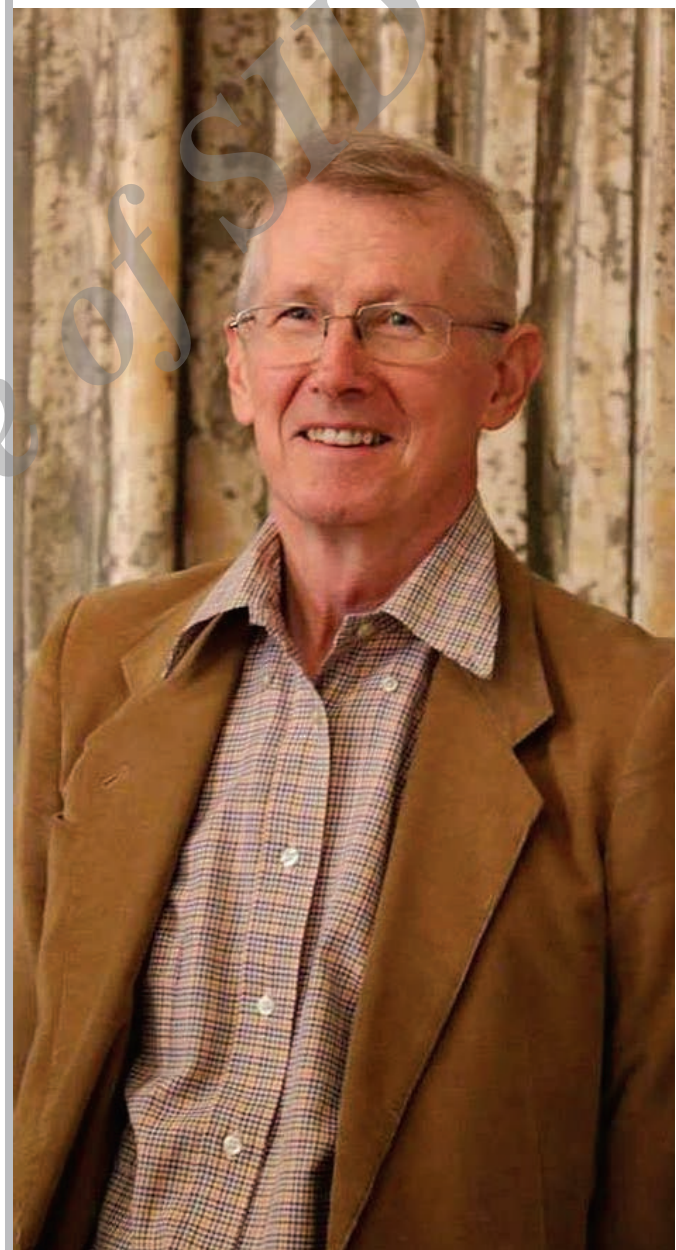


گفتگو با پرفسور برنارد اوکین؛ حرم مطهر رضوی، بنایی منحصر به فرد در دنیای اسلام

شادی غفوریان*

پرفسور برنارد اوکین (Bernard O'Kane) متولد ایرلند، استاد هنر و معماری اسلامی در دانشگاه امریکایی قاهره است. وی تاکنون مطالعات گسترده‌ای در باب تمدن‌های اسلامی و عرب، شرق‌شناسی، معماری اسلامی و ایران‌شناسی داشته است. در زمینه هنرهای اسلامی ایران، پرفسور اوکین در سال ۱۹۷۵ موفق به اخذ جایزه پژوهشگر سال از انستیتو بریتانیایی مطالعات ایران شد. از سخنرانی‌های اخیر وی در همایش‌های مختلف آکادمیک می‌توان به «تأثیر مکتب هرات بر ظهور مکتب تبریز»، «گسترش استفاده از خط فارسی در هندوستان»، «استفاده از خط فارسی در کتیبه‌های بنایی ترکیه»، «تصاویر کلیله و دمنه از هند تا خاور میانه»، «معماری قرون وسطایی اصفهان»، «معماری اسلامی ایران؛ شکوه رنگ‌ها»، «آرتور پوپ و معماری اسلامی ایران» و دیگر موارد اشاره کرد. از کتاب‌های تألیفی پرفسور اوکین نیز می‌توان عنوانی چون «معماری تیموری در خراسان- ۱۹۹۵» (ترجمه رضا آخشینی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی)، «مطالعات هنر و معماری ایران- ۱۹۹۵»، «نقاشی‌های باستانی ایران در نسخ خطی کلیله و دمنه در اواخر قرن ۱۴ میلادی- ۲۰۰۳» و... اشاره نمود.

در نشست صمیمانه که به دعوت نشریه آستان هنر، با حضور آقایان صحراگرد، نعمتی، آخشینی و کریم پور، در نگارخانه رضوان برگزار شد، پرفسور اوکین در گفتگویی جمعی، از سفر به ایران و مشهد، علاقه‌اش به تحقیق در باب تجلی هنر در حرم رضوی می‌گوید و به پرسش‌هایی درباره معماری حرم مطهر پاسخ می‌دهد.



* پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
akhavan_t@yahoo.co.uk

جناب پروفیسور برنامه‌تان در این سفر به ایران در چه زمینه‌ای بوده است؟

من برنامه پژوهشی خاصی نداشتم، می‌خواهم در آینده کتابی بزرگ راجع به کاشی‌کاری کشورهای اسلامی تهیه کنم و امیدوارم عکس‌هایی که در این سفر گرفتم، برای آن مفید باشد. حال حاضر بر روی مبحث خاصی پژوهش می‌کنید؟

بله، من ۳۳ سال است که در مصر هستم و تحقیقات زیادی راجع به کشورهای عربی داشته‌ام. مثلاً پروژه آینده‌ام که امیدوارم انشاءالله به اتمام برسد، در مورد کتیبه‌های آثار دوره اسلامی در قاهره است که از اوّل دوره اسلام تا ۲۰۰ سال پیش را شامل می‌شود، به همراه عکس و ترجمه و قابلیت جستجوی کلمات به انگلیسی یا عربی که امیدوارم برای محققان مفید باشد.

در زمینه هنرهای ایرانی-اسلامی پژوهش‌های معاصر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در دهه‌های اخیر خیلی بهتر شده است. محققان پیش‌تر که به سازمان حفاظت آثار باستانی می‌آمدند (میراث فرهنگی کنونی) فقط بناهای خراسان را خوب می‌شناختند و به آنها توجه می‌کردند. اما اکنون فکر می‌کنم محققان می‌دانند که لازم است نه تنها یک استان یا فقط کشور ایران را بشناسند بلکه اگر کسی درباره بناهای خوارزمشاهی، غوری، یا غزنوی تحقیق کنند، بایستی آثار باستانی کشورهای اطراف ایران؛ افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان را هم بشناسند. اکنون فکر می‌کنم که محققان اینجا این مطالب را خوب درک می‌کنند، سفر می‌کنند که این‌ها را ببینند و گزارش کنند. نکته دیگر اینکه من از کار مرمت بناهای اینجا بسیار لذت می‌برم، سال گذشته در سفر به ازبکستان دیدم که کار مرمت بسیار بد است و مثل کار نوسازی است ولی در اینجا مرمت خیلی بهتر است.

فکر می‌کنید جایگاه پژوهش در مورد معماری حرم امام رضاع) در هنر و معماری اسلامی کجاست؟

معماری آستان قدس در تاریخ هنرهای اسلامی اهمیت بسیاری دارد. البته می‌بینم که از کارهای موجود گزارش‌هایی جدید تهیه شده است. فقط فکر می‌کنم گاه به آثار باستانی توجه لازم نمی‌شود، اگر این‌طور بود مدرسه ملاصدرا ویران نمی‌شد. البته موزه آستان قدس از آخرین باری که به مشهد آمدم (حدود ۳۵ سال پیش) بسیار بهتر شده و نمایشگاه‌ها بزرگ‌تر شده است و محققان نیز بهتر شده‌اند.

به نظر شما برای بهبود وضعیت پژوهشی در زمینه حرم امام رضاع)، معماری و آثاری که در حرم موجود است،

چه ملزوماتی لازم است؟

خوشبختانه می‌بینم ملزومات لازم نسبت از قبل بهتر شده است. مثل همین مجله شما، معرفی هنر و آثار موجود در حرم، انتشار شاهکارهای موزه، که اگر این کار ادامه پیدا کند بهتر و بهتر خواهد شد.

در سال‌های اخیر اسناد تاریخی تشکیلات اداری آستان قدس و حرم، آرشیو و نمایه شده و دسترسی به آن برای محققان امکان‌پذیر است، اما از نحوه استفاده صحیح و به‌کارگیری آنها در معماری و هنر اطلاعات کافی در دست نداریم. تعدادی از این واژه‌ها و اصطلاحات به‌کاررفته مربوط به دوره صفوی و قاجار است که در اسناد دیده می‌شود، به عنوان مثال "تعمیرات نقاشی‌های دارالسیاده" که در آنها اصطلاحات تخصصی زیادی است که هنرمند و نقاش آن دوره به کار برده است و ما برخی را نمی‌شناسیم (به زبان فارسی). حال سؤال این است که آیا در این زمینه الگویی وجود دارد که در پژوهش‌های معماری اسلامی کشورهای هم‌چون مصر و مراکش به‌کار رفته باشد و پژوهش‌های سندی هم کار شده باشد که ما بتوانیم از آنها یاد بگیریم؟

بله، این کار انجام می‌شده ولی اصطلاحات عربی به فارسی متفاوت است. نمی‌دانم که آیا برای کار شما مفید است یا خیر.

شاید شیوه یا methodology آنها بتواند ما را یاری کند. فکر می‌کنم که شما با شیوه کار آنها آشنا باشید و اطلاعات‌تان هم از ما کمتر نیست چرا که می‌بینم دارید از آنها استفاده می‌کنید.

در آثار معماری که شما با آنها آشنایی دارید و در تحقیقات معماری آیا واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌هایی وجود دارد که اصطلاحات قدیمی را در آنها بتوان یافت؟

بلی، لغت‌نامه اصطلاحات معماری در قاهره منتشر شده که فکر می‌کنم چاپش به اتمام رسیده است، اما نکته‌ای که در مورد کار شما می‌بینم این است که کتابخانه خوبی به زبان‌های دیگر مثل انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و... راجع به تاریخ هنر اسلامی وجود ندارد. بیشتر متخصصان به زبان انگلیسی می‌نویسند و اگر شما این کتاب‌ها را ندارید پس اطلاعات‌تان در مورد هنرهای اسلامی ناقص است.

ما در اینجا دارالسیاده داریم که اغلب می‌گویند از ساخته‌های دوره گوهرشاد است. برخی تلاش کرده‌اند بگویند احتمال دارد این بنا قدیمی‌تر و مربوط به دوره ایلخانیان باشد، به این دلیل که این بنا خیلی نزدیک بقعه مطهر است، چرا که فضای بین هسته مرکزی حرم مطهر

و مسجد گوهرشاد را پر کرده است. برای همین طبیعی است که باید از قبل ساخته شده باشد؛ اما باتوجه به اینکه در دوره ایلخانیان حرم مطهر بسیار پررونق بوده احتمال می‌دهند که باید قدیمی‌تر باشد. حال سؤال اینجاست که آیا می‌شود آن را با دارالسیاده‌های دیگر مقایسه کرد؟

خیر، نمی‌تواند مربوط به آن دوره باشد، زیرا طاق‌های دارالسیاده مانند طاق‌های دیگر در بناهای دوره تیموری است؛ مثلاً این طاق‌های متقاطع که هم در مدرسه خرگرد می‌بینیم و هم در مدرسه گوهرشاد در هرات. این دو ساختمان مثل دارالسیاده است و طاق‌های ایلخانیان این‌گونه نیست.

نقاشی‌هایی که داخل مجموعه حرم بوده، البته غیر از زیر گنبد مدرسه دودر، بقیه از بین رفته‌اند و روی آنها آینه‌کاری شده است، در تشخیص اینکه آنها چه شکلی بوده‌اند مشکل داریم، البته سندهای تعمیراتی از آنها داریم که گاهی کمک می‌کنند؛ مثلاً سندی داریم از سال ۱۱۰۰ قمری در دوره صفویه که با جزئیات توضیح داده که تعمیر نقاشی‌های بالای در دارالحفاظ، در مورد تزییناتی هم که شده نام برده است، اما چون روی آنها را آینه‌کاری کرده‌اند، زیر آن معلوم نیست، آنچه که ما در این اسناد می‌بینیم مقداری به بقعه خواجه ربیع نزدیک است، در دوره صفوی کارهای نقاشی که در اماکن مذهبی شده است چقدر تغییرات نسبت به دوره تیموری داشته است؟ این کار سخت و زمان‌بر است و باید هر دو دوره را تک‌تک تفکیک کنید و البته حتماً دارای تغییراتی هست اما نه زیاد. مثل کاشی‌کاری صفویه که تغییراتی با کاشی‌کاری دوره تیموری داشته است اما نه زیاد.

شما در مورد نقاشی‌های زیرگنبد مدرسه دودر توضیح کامل دادید، اما وقتی با نقش‌های زیر گنبد خواجه ربیع مقایسه می‌کنیم (می‌دانیم که خواجه ربیع در دوره صفوی نقاشی شده است) می‌بینیم که طرح‌ها به هم نزدیک هستند. آیا در مورد زیر گنبد امام رضا (ع) هم همین حرف را می‌توان زد یا خیر؟ یا احتمال بدهیم که تغییرات زیادی نداشته است؟

بایستی تک‌تک کارها را با کارهای دوره صفوی تطبیق دهید و با کارهای دوره تیموری در جاهای دیگر مقایسه کنید که بفهمید با کدام مشترکات بیشتری دارد. هم در سبک صفوی و هم در سبک تیموری در سال‌های اخیر در مرمت ساختمان‌های ازبکستان بیشتر نقاشی دوره تیموری دیده شده است که البته مرمت بدی انجام شده است و مثل نوسازی نقاشی کرده‌اند ولی طرح اصلی‌اش را اگر تطبیق

بدهید مفید خواهد بود.

در مورد گنبد گوهرشاد درست، در مورد گنبد‌های قوام‌الدین آیا نمونه‌ای داریم که از آن بفهمیم سبک گنبدسازی‌اش چگونه بوده است؟ چون می‌دانیم که در بازسازی گنبد گوهرشاد از بتن استفاده شده است و حدس می‌زنیم که در کارهای دوره تیموری با این شیوه کار می‌کردند (شیوه خیاره‌ای). ولی آیا سندی وجود دارد و نمونه‌ای از گنبد‌های ساخته شده توسط قوام‌الدین شیرازی وجود دارد که بتوانیم دقیقاً بفهمیم شکل اولیه آن گنبد به چه شکل بوده است؟

فقط گنبد گوهرشاد در مدرسه گوهرشاد در هرات به جا مانده است. یعنی دوگنبد در مدرسه غیاثیه خرگرد داریم ولی ساقه بلند مثل اینها را ندارند و کوچک هستند. فقط یک نمونه از این برای اولین بار در این سفر به ایران دیدم و آن گنبد رکنیه یزد است، اما در قدیمی‌ترین عکسی که از حرم مطهر دیدم، گنبد در آن صاف بود.

صاف بودن گنبد به دلیل بازسازی آن در دوره صفوی در سال ۱۰۸۴ بود چون در زلزله از بین رفته بود و به شیوه دوره صفوی بازسازی شده است.

ما اطلاعات زیادی از این قبیل را در دست نداریم و در متون هم هیچ توضیحی داده نشده است.

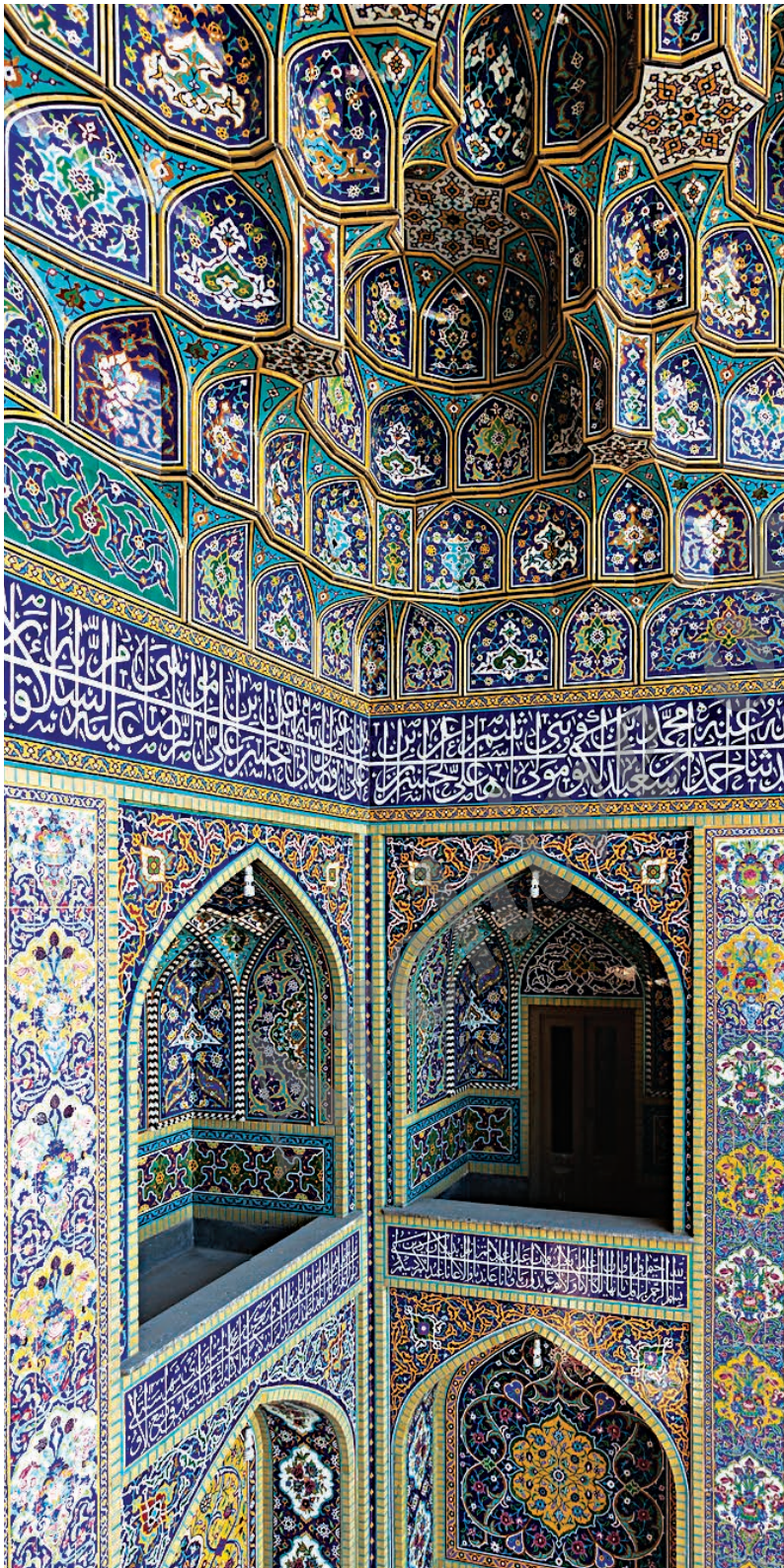
چون در محراب گوهرشاد که اصیل باقی‌مانده همین شیوه خیاره‌ای را به‌طور معکوس داریم. بنابراین شاید بتوان از روی این شواهد این فرضیه را مطرح کرد.

شاید بتوان اما ما نمی‌دانیم.

در کتابتان اشاره کردید که از گنبد رکن‌الدین در یزد تزیینات زیر گنبد مدرسه دودر و زیر گنبدخانه مسجد گوهرشاد با یکدیگر شباهت دارند. سؤال اینجاست که چطور برای ساخت بناهای مشهور و بزرگ از بناهای کوچک و کم‌اهمیت‌تر دوره ایلخانیان استفاده کرده‌اند؟ من نخواستم بگویم که دقیقاً درخود طرح گنبد گوهرشاد از گنبد رکن‌الدین استفاده شده است. البته فکر می‌کنم که هر دو خیلی دقیق بوده ولی این بدین معنا نیست که طرح و شیوه ساخت آن در دوره تیموری دقیقاً مثل هم بوده است.

زیرا طرحی که در کتیبه بالای ازاره پایه ایوانچه‌های صحن مسجد گوهرشاد به خط کوفی تزیینی نوشته شده پیش‌تر در گوشواره‌های گنبد رکنیه اجرا شده بود.

دیروز که در صحن اصلی گوهرشاد بودم متوجه شدم که از نمونه‌های اصلی کاشی‌کاری تیموری هیچ چیز باقی نمانده. شاید در ایوان قبله مقدار کمی باقی مانده باشد اما بیشتر



آن از ۵۰ سال پیش تا به امروز از بین رفته است. مطلب دیگری که در کتابتان به آن اشاره نکردید در مورد شکل ایوان مقصوره است.

باید بگویم که این شکل را شاید از مسجد جامع یزد آورده باشند که قسمت عقب ایوان طوری است که خود گنبد دیده می‌شود و نمونه آن در معماری ایران در مسجد جامع یزد وجود دارد.

هدف بیش‌تر نشان دادن نمای داخل بوده است؟ بله درست است.

بناهای قدیمی زیادی را در جهان اسلام و سایر کشورها دیده‌اید و از لحاظ معماری و سایر هنرها آنها را بررسی کرده‌اید، اگر در مورد حرم مطهر امام رضا(ع) به عنوان یکی از این بناها بخواهیم ویژگی خاصی را قایل شویم آن کدام ویژگی است که میان این بنا و دیگر بناهای قدیمی در جهان اسلامی از لحاظ معماری تمایز ایجاد می‌کند؟

حرم مطهر امام رضا(ع) از مهم‌ترین مجموعه بناهای قدیمی در اسلام است و مقایسه‌اش با دیگر بناها کار دشواری است. در جاهای دیگر نمونه‌ای مثل حرم مطهر امام رضا(ع) نداریم، مثلاً در ترکیه مساجد زیادی وجود دارد که برای سلاطین بوده است و زیارتگاه محسوب نمی‌شود. اما حرم مطهر امام رضا(ع) زیارتگاه و مکان مذهبی است و همین تفاوت از لحاظ معماری هم وجود دارد، میان سبک هنر عثمانی و صفوی تفاوت عمده و زیادی وجود دارد و حرم مطهر امام رضا(ع) از جمله بناهای منحصر به فرد و تنها نمونه در دنیای اسلام است.

نام یک کتاب من

The early Persian painting Calila and Dimna
۱۴th century manuscripts in

که در مورد مینیاتورها در متون از دوره جلاویه و مظفری است از متون کلیله و دمنه است

و نام کتاب دیگر

The appearance of Persian in Islamic art

استفاده زبان فارسی در هنرهای اسلامی.